

## یادداشت

ادوارد گرانویل براون Edvard Granville Browne، هرگاه نسخه‌ی دستنوشته می‌خرید، یا به وی هدیه می‌شد، بر صفحه‌ی ابتدایی آن نسخه، مختصری درباره‌ی نام و عنوان آن کتاب و مؤلف آن، و گاه اندکی درباره‌ی سابقه‌ی آن کتاب در منابع دیگر، مینوشت.

براون، در ماه ژانویه سال ۱۹۲۶ میلادی (: دی ماه سال ۱۳۰۴ هجری خورشیدی) درگذشت و کلیه کتابها و اسناد و مدارک و یادداشتهای وی، در اختیار کتابخانه دانشگاه کمبریج قرار گرفت. دانشگاه کمبریج، با کمک مالی خانواده براون، بر آن شد تا فهرستی از کتب دستنوشته براون سامان دهد، و این مهم را به «رینولد آلن نیکلسن Reynold Alleyne Nicholson» واگذاشت. نیکلسن، بر اساس یادداشتهای براون در ابتدای نسخ دستنوشته و جستجوهای کتابشناسانه، فهرستی فراهم آورد که به سال ۱۹۳۲ میلادی (: سال ۱۳۱۱ هجری خورشیدی)، به شکل کاری مشترک از براون و نیکلسن، با عنوان «فهرست تفصیلی دستنوشتهای شرقی متعلق به ا.گ. براون» منتشر شد: Browne, E.G.-Nicholson, R.A. : A descriptive catalogue of the oriental manuscripts belonging to the E.G. Browne.

در صفحه‌های ۱۵۶ - ۱۵۷ این فهرست، برای نخستین بار در دوران معاصر، یاد از نسخه‌ی دستنوشته از کتابی نامزد به «زیج مفرد»، تألیف محمد بن ایوب الحاسب الطبری، شد.

در همان سال ۱۳۱۱ هجری خورشیدی، نسخه‌یی از فهرست منتشره در کمبریج، در تهران به دست سید جلال‌الدین طهرانی افتاد، و وی، در گاهنامه سال ۱۳۱۲ خورشیدی (که در اسفند ماه سال ۱۳۱۱ خورشیدی منتشر شد) به این نسخه دستنوشته از زیج مفرد پرداخت.

از طریق همین فهرست منتشره در کمبریج، سید حسن تقی‌زاده نیز از وجود نسخه‌یی از زیجی با عنوان «زیج مفرد» ضمن مرده ریگ ادوارد براون در دانشگاه کمبریج آگاهی یافت و ضمن بررسی آن نسخه دستنوشته، تگه‌هایی از آن نسخه را التقاط کرد و تگه‌هایی از آن التقاطات را در کتاب «گاهشماري در ایران قدیم» که در اواخر سال ۱۳۱۷ تا اوایل سال ۱۳۱۸ خورشیدی، در تهران انتشار یافت، نقل کرد.

از این زمان به بعد است که کتاب «زیج مفرد» به عنوان یک کتاب نجومی، در نوشته‌های مربوط به تاریخ دانش نجوم، یا مربوط به سابقه ادب فارسی، نمود مییابد، و تعیین زمان زندگی و فعالیت علمی محمد بن ایوب حاسب طبری، از جمله دغدغه‌های محققین قرار میگیرد.

مشروحترین تحقیق در تعیین دوران زندگی و فعالیت حاسب طبری را ژیلبر لازار Gilbert Lazard، در مقالتي با عنوان «محمد بن ایوب طبری منجم چه زمانی میزیست؟ A guell époque a vécu l'astronome Mohammad b. Ayyub Tabari ?»، که به سال ۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی) در صفحه‌های ۹۶ - ۱۰۳ «یادنامه ایرانی مینورسکی» در تهران انتشار یافت، به عمل آورد.

این قلمزن، در بهار و تابستان سال ۱۳۶۳ خورشیدی (۱۹۸۴ میلادی) که در انگلستان، گنجینه‌های کتب آن کشور را به منظور فراهم آوردن منابع مربوط به تقویم و تاریخ ایران جستجو می‌کردم، عکسی از نسخه دستنوشته زیج مفرد، محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج فراهم آوردم، و از آن پس، طی ۲۰ سال گذشته، هر از گاه، تعلیقه‌هایی بر مقالات و فصول و ابواب آن می‌زدم.

□

نسخه دستنوشته زیچ مفرد، حدود ۳۷۰ صفحه است که تقریباً نیمی از آن صفحات جداول رقومی است. زیچ مفرد نیز همچون سایر زیجهای شرقی، در بحثهای نجومی خود، همان قصه‌های کسالت آور افلاک نه گانه و فلک و افلاک تدویر غیر واقع و سیر و رجوع و استقامت غیر علمی سیارات و تقدیم به مدتهای غیر قابل رسیدگی اعتدالین و به دنبال آن ثبت بی ربط و غلط مواضع (طول و عرض) ثوابت و تعدیلهای غیر موجّه برای قابلیت رؤیت، همراه با جدولهای رقومی مغشوش و... میپردازد.

از میان بسیار بسیار مطالب و مباحث مطرح در زیچ مفرد - که در همه زیجهای مطرح است و عمده خیالی، و به همان اعتبار غیر علمی و غیر قابل اثبات - چند بایی را که به امر و موضوع تقویم میپردازد و هنوز جنبه تاریخی و علمی و در عین حال عملی خود را دارد، و میتواند در مقوله تاریخ علم، جایی داشته باشد، برای عرضه داشت، استخراج و بازنویسی کردم، که در همین دفتر ملاحظه میفرمایید.

□

شیوه معمول اهتمام ورزندگان به نشر آثار مکتوب کهن، چنان است که نسخه دستنوشته از اثر را فراهم میآورند، و غالباً قدیمیترین نسخه را «اصل» قرار میدهند، و سایر نسخ را با آن میسنجند (یعنی مقابله مکانیکی میکنند) و نهایتاً نسخه بی میسازند که دست بالایش، حاکی از شکل وجودی یافته اثر در زمان سامان قدیمیترین نسخه از اثر است و نه حاکی از شکل وجودی یافته اثر در زمان تألیف آن.

حالا اگر اثری کهن، فقط یک نسخه دستنوشته در دسترس باشد، چون نسخه‌های دیگر نیست تا افتادگیها و زیادتیهای در نسخه، معلوم اهتمام ورزنده شود، سامان علمی و مطلوب اثر، آنهم بدان سان که شکل وجودی یافته اثر به زمان تألیف آن را بنمایاند، منوط به میزان اصطلاحاً سواد، و معلومات اهتمام ورزنده و آگاهی وی از موضوع اثر و سبک زبان و شیوه معمول کتابت به زمان تألیف اثر، خواهد بود.

چنانکه پیش از این گذشت، و در پیشگفتار این وجیزه نیز نسبتاً به شرح ملاحظه خواهید فرمود، از زیچ مفرد، فقط یک نسخه دستنوشته شناخته است.

□

فرهنگ ایرانی، سخت گسترده، و در عین حال بغرنج و بیش از انتظار ظریف است. شناخت علمی و کارآمد آن، هم دانش و آگاهی در خور میطلبد، و هم همتی شایسته را اقتضا دارد. با خُرده دانش و به تبع آن، سرسری پرداختن بدان، ظلمی است فاحش به ایران و ایرانیان. اندکی بیندیشیم.

«با رَوَنده سخن است، نه با درنگی.

سخن با اوست، اگر حاضر است، و

پیغام سوی او، اگر غایب».

رحیم رضازاده مَلِک

تهران - ۱۳۸۵

